

نقش اخلاق اجتماعی پیامبر (ص) با کفار و مشرکان در گسترش دین اسلام

سید محمد شجاع*

چکیده

عامل اساسی و پر اهمیت در پیشرفت اسلام در عصر نبوی همانا نوع برخورد و اخلاق پیامبر بویژه اخلاق اجتماعی ایشان با آحاد جامعه بوده است، رسول کرامی اسلام علاوه بر ارج نهادن بر ارزشهای اخلاقی، در سیره نظری و عملی خویش الگویی کامل از فضایل اخلاقی بود به گونه ای که آیات و حیانی قرآن اخلاق ایشان را با عنوان (خلق عظیم) می ستاید و پیامبر(ص) را اسوه انسانها معرفی می کند. یافته‌های تحقیق حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و جمع آوری کتابخانه‌ای مطالب صورت گرفته بیانگر این است که اخلاق اجتماعی پیامبر با مشرکان مبتنی بر اصل هدایت بوده و بر این اساس رحمت و محبت را پایه برخورد با آنها قرار دادند، نمونه ای از این مسئله را می توان در صلح حدیبیه مشاهده کرد که از عوامل مهم گسترش اسلام بود زیرا مشرکان موجودیت اسلام را پذیرفتند و فرصتی به دست آمد تا حکومت اسلامی سامان یابد، عفو عمومی بعد از فتح مکه و مدارا با مشرکان، منجر به نفوذ اسلام در قلوب آنها گردید.

واژگان کلیدی: اخلاق، اخلاق اجتماعی، پیامبر(ص)، فلسفه جهاد، فتوحات

مقدمه

اخلاق اجتماعی پیامبر(ص)، عنصر کلیدی در دعوت به اسلام و جذب مخالفان بود زیرا پیامبر بهترین اخلاق اجتماعی را داشت به این ویژگی مهم پیامبر، قرآن کریم به طور خاصی اشاره کرده است و می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۱ و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم خو شدی و اگر (بر فرض) تندخویی سخت دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می شدند.»

آیه شریفه پیامبر را فردی خوش اخلاق با مردم و جامعه توصیف نموده و ساحت ایشان را از بد اخلاقی و تندی دور دانسته و این اخلاق خوش اجتماعی ایشان را به عنوان رحمتی از سوی خداوند بر ایشان قرار داده است، مهم ترین عامل گسترش اسلام در صدر اسلام را می توان اخلاق پیامبر در برخورد با کفار و مشرکین دانست که عفو و گذشت، نرم خویی، عدم خشونت و کینه توسط پیامبر، باعث جلب آنان به اسلام می گردید.

نوشتار اول: نقش اخلاق نظری پیامبر (ص) در گسترش دین اسلام

۱. قاطعیت و سازش ناپذیری

پیغمبر اکرم ص و تمام انبیاء عظام نه تنها یک لحظه با شرک سازش نکردند، بلکه نخستین و مهمترین برنامه آنها مبارزه با آن بود. ایشان به شکل خاص جدایی کامل خط خود را از آنها مشخص می کرد. نقل شده که پیامبر در حال طواف کعبه بود که اسودبن مطلب بن اسد بن عبدالعزی و ولید بن مغیره و امیه بن خلف وعاص بن وائل سهمی که در قوم خود صاحب نفوذ و منزلت بودند، نزد پیامبر آمده، گفتند: ای محمد بیا تا ما آنچه را تو می پرستی بپرستیم و تو نیز آنچه را ما عبادت می کنیم عبادت کن و در این امر بزرگ با یکدیگر شریک گردیم. آن گاه اگر معبود تو بهتر بود ما بهره خود از او گرفته ایم و اگر معبود ما نیکوتر بود تو نیز از آن بهره گرفته ای.^۲ پس خدای تعالی این آیات را نازل فرمود: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ - لَا أُعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ - وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبُدُ - وَلَا أَنَا عَابِدُ مَا عَبَدْتُمْ»؛^۳ پس بکلی کفار را مایوس کرده، و برای همیشه از اینکه آن جناب در برابر خواسته های ایشان (که همان مخالفت با اوامر الهی

۱. آل عمران/ ۱۵۹

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۶۲

۳. کافرون / ۱ - ۴

است) روی خوش نشان دهد، نومیدشان ساخته و با صراحت فرمود: من هرگز بت پرستی نخواهم کرد، و شما نیز با این لجاجت که دارید و با تقلید کورکورانه از نیاکان که روی آن اصرار می‌ورزید و با منافع نامشروع سرشاری که از بت پرستان عائد شما می‌شود هرگز حاضر به خداپرستی خالص از شرک نیستید: بگو: ای کافران، آنچه می‌پرستید نمی‌پرستم، و آنچه می‌پرستم شما نمی‌پرستید، و نه آنچه پرستیدید من می‌پرستم.

در برابر مخالفت‌هایی که متوجه اصول اعتقادی مانند توحید و معاد می‌گردید، سازش نمی‌کرد به صراحت از همراهی و اطاعت کافران نهی می‌شد: «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^۱ پس، از دروغ گویان فرمان نبر، آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها هم نرمش نشان دهند. (یدهنون) از ماده (دهن) است، به معنای روغن، و ادهان و مداهنه به معنای روغن مالی که کنایه است از نرمی و روی خوش نشان دادن.^۲ پس از علنی شدن دعوت پیامبر ص، مشرکان قریش و اشرافیت عرب تلاش کردند تا نهضت به‌پاخاسته علیه منافع خود را نابود ساخته و حداقل جلوی رشد آن را گرفته، متوقفش سازند و آن‌گاه به انحرافش کشند و در این راه، همه امکانات و لوازم را به کار گرفتند؛ تطمیع، تهدید و چون سودی نبخشید، تهمت، شکنجه، آزار، اقدام برای قتل و در نهایت محاصره اقتصادی و سیاسی همه جانبه. آنها همه توان و سیاست و کیاست خود را به کار گرفتند؛ فشار، دیپلماسی، فشار و دیپلماسی توأمان؛ اما هیچ‌کدام، پیامبر را به مداهنه نکشید^۳

۲. اظهار براءت

واژه «برء» و «براء» و «تبری» به معنای کناره‌گیری و بی‌زاری از هر چیزی است که مجاورت با آن مورد کراهت باشد. براءت به معنای دوری جستن و کناره‌گیری کردن و منزوی ساختن دشمن است و این در زمان صلح، به منظور بازداشتن دشمن از سوء استفاده از روابط صلح آمیز، برضد اسلام و امت اسلامی، به شیوه‌ای مناسب و با مقتضای زمان، انجام می‌گیرد^۴ براءت از مشرکین، تعبیری است قرآنی به مفهوم بی‌زاری و اجتناب از مشرکین و دشمنان مسلمانان و قطع پیوند با آنها. این تعریف، توسعا، به فعالیت‌هایی که در بُعد سیاسی حجج به صورت اجتماعی

۱. قلم / ۹

۲. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۷۱

۳. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، دفتر دوم، «سیره اجتماعی»، ص ۹۹.

۴. عباسعلی عمید زنجانی، در راه برپایی حج ابراهیمی، ص ۱۰۴



انجام می گیرد نیز اطلاق می شود^۱ خداوند متعال در قرآن می فرماید: «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^۲ البته برطبق آیات و روایات پیامبر گرامی (ص) این شیوه را جز در جایی که امیدی به پذیرش دعوت از سوی مخاطبان نداشته به کار نبرده است؛ علاوه بر آن، این شیوه را با دقت و ظرافت تمام و در طی مراحل از ضعف و شدت اعمال نموده است؛ «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ»^۳ و اگر تو را تکذیب کردند، پس بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شما باشد. (و هر یک از ما و شما، جزای کار خود را خواهد دید.) شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من نیز از آنچه شما انجام می‌دهید، بیزارم. این آیه در زمینه انکار و تکذیب لجوجانه مشرکان است برای اعلام بیزاری و بی‌اعتنایی، که توأم با اعتماد و ایمان قاطع به مکتب خویشتن است، اثر روانی خاصی، مخصوصاً در منکران لجوج، دارد، و به آنها می‌فهماند که هیچ اصرار و اجباری در مورد قبول و پذیرش آنها نیست، آنها با عدم تسلیم در مقابل حق، خود را به محرومیت می‌کشاند و تنها به خویشتن ضرر می‌زنند. این آیه برای بیزاری جستن و تهدید آنها است^۴ مانند آیه دیگر که فرماید: «اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ...» شما بجای خویش عمل کنید من هم بجای خود بزودی خواهید دانست. در آیات قرآن، پیامبر (ص) و پیروان ایشان با ویژگی تولی با مسلمانان و تبری از دشمنان وصف شده‌اند^۵ و نیز بر ضرورت روی‌گردانی از مشرکان و بیان سرنوشت شوم آنها تأکید شده است.^۵

اصل اساسی (حب فی الله و بغض فی الله) است. پیوند مکتبی مهمترین پیوندی است که انسانها را با یکدیگر مربوط می‌سازد که هر پیوندی تحت الشعاع آن است. این سخنی است که قرآن بارها روی آن تأکید کرده است، بعلاوه ارزش نهایی در ایمان و تقوا است، چگونه ممکن است با کسانی که فاقد این دو هستند ارتباط برقرار شود.

۳. نقش مدارا در اخلاق اجتماعی پیامبر در گسترش اسلام

مدارا یکی از اصول اخلاق اجتماعی است که نقش مهمی در شکل‌گیری روابط اجتماعی دارد و اگر از این روش اخلاقی به نیکی استفاده گردد از بسیاری از دشمنی‌ها، کینه‌ها و جدایی‌ها

۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۶۲۷

۲. توبه/ ۳

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۹.

۴. مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح/ ۴۸).

۵. برای نمونه: انعام/ ۱۰۶؛ توبه/ ۹؛ قصص/ ۲۸؛ فتح/ ۴۸؛ بینه/ ۹۸.

جلوگیری می‌گردد و موجب آرامش و گسترش امنیت در جامعه می‌شود به همین جهت مدارا از مواردی است که پیامبر(ص) در اخلاق اجتماعی خویش بدان پایبند بوده‌اند. رسول خدا (ص) به خاطر این خصلت مدارا، توسط قرآن با عنوان «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱، مورد تقدیر قرار گرفته‌اند، این ویژگی اخلاق اجتماعی ایشان به گونه‌ای بوده که حتی دشمنان به آن اعتراف نموده‌اند به همین جهت قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»؛ خدا آگاه‌تر است بر اینکه رسالت خود را در کجا قرار دهد».

رسول خدا(ص) در برابر مشرکان قریش از روش مدارا استفاده کردند به این جهت که در اولین گام دعوت خویش بوده‌اند و باید به مدارا و نرمش آنها را به سوی اسلام دعوت می‌نمودند، اما بعد از ایجاد نظام اسلامی در مدینه علاوه بر مدارا در صورت تجاوز اهل کتاب و خیانت آنها بر پیمانها بشدت با آنها برخورد می‌نمودند بویژه با قبایل یهودی ساکن در مدینه.^۲ در اکثر موارد مدارای رسول گرامی اسلام(ص) برای این بود که زمینه هدایت مردم ایجاد گردد، بخصوص افرادی که با برخوردهای خشن خود از پیامبر(ص) نیز انتظار چنین برخورد و خشمی را داشتند وقتی با اخلاق نرم ایشان مواجه می‌گردید خود به خود به ایشان متمایل شده و اسلام می‌آوردند مدارای پیامبر (ص) با آنها به حدی بوده است که ایشان فرمودند: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ»^۳.

رسول خدا(ص) رهبری بود که شیوه ایشان مدارا با همه مردم بوده است زیرا ایشان به عنوان آورنده وحی الهی نماد رحمت حق نیز می‌باشند. هنگامی که رسول خدا (ص) در ابتدای بعثت مردم را دعوت می‌نمودند، مشرکان انواع آزار و اذیت را نسبت به ایشان روا داشتند به ایشان تهمت کذاب، ساحر و مجنون دادند در مقابل این همه آزارها، پیامبر می‌فرمود: «بارالها قوم مرا مورد رحمت و مغفرت خویش قرارده؛ زیرا اینان حقیقت را نمی‌دانند»^۴.

۴. پیامبر (ص) و دعا برای کفار و مشرکان

از جمله اخلاق اجتماعی پیامبر در ارتباط با کفار و مشرکان این بوده است که ایشان به رغم آزار و مشکلاتی که از جانب کفار و مشرکان متحمل می‌شدند به جای درخواست عذاب، برای

۱. قلم/ ۴

۲. انعام/ ۱۲۴

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۹۸

۴. کافرون/ ۶

۵. مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ص ۳۷۲

آنها دعا می فرمودند، هنگامی که در مراسم حج در ابتدای آغاز دعوت، رسول گرامی اسلام(ع) به تبلیغ مشغول بودند ، مشرکان ایشان را با سنگ مورد آزار قرار داند و به گونه ای که خون از بدن مطهر ایشان سراریز گردید.^۱

نقل شده است که در این هنگام فرشته یا فرشته هایی به امر خدا نزد پیامبر(ص)آمدند و گفتند هر آنچه ایشان بر عذاب مشرکان بخواهد همان را انجام دهند، رسول گرامی اسلام(ص) در پاسخ فرمودند: «انما بعثت رحمةً ، رب اهد امتی فإینهم لا یعلمون؛^۲ بدرستی که من برای رحمت مبعوث گشته ام ، خداوندا ،امت مرا هدایت نما زیرا آنها نادان هستند»

از نمونه های مشخص در دلسوزی پیامبر(ص) برای هدایت مشرکان، رنج و ناراحتی فراوانی است که خداوند از آن اینگونه یاد می نماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛^۳ شاید تو بخاطر اینکه (مشرکان) مؤمن نمی شوند، خودت را هلاک کنی.»

کلمه «باخع» از «بخوع» گرفته شده و معنای آیه این است که: از وضع تو چنین بر می آید که می خواهی خود را از غصه هلاک کنی که چرا به آیات این کتاب که بر تو نازل شده ایمان نمی آورند.^۴

برخی در ارتباط با علت نزول این آیه شریفه گفته اند: رسول خدا(ص) دائماً مشرکان مکه را به پرستش خدای یگانه دعوت می نمودند، ولی آنان ایمان نمی آوردند، در این هنگام رسول خدا(ص) به حدی ناراحت شدند که اثر این ناراحتی در صورت مبارک ایشان نمایان بود، لذا این آیه شریفه برای دلداری ایشان نازل گردید.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹۳.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷ ص ۲۷۶.

۳. شعراء/۳

۴. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۴۷

۵. ابو القتوح رازی ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۰۲

۵. نقش همزیستی مسالمت-آمیز در گسترش اسلام

سیاست کلی پیامبر در مقابله با ایشان در مکه، سیاست صلح و رفتار مسالمت-آمیز بود، رسول گرامی اسلام(ص) همواره یارانش را به سعه صدر و برخورد مسالمت آمیز با مشرکان مکه فرا می خواندند از جمله تلاش های اخلاق اجتماعی ایشان برای زندگی مسالمت آمیز با مشرکان انعقاد قراد داد صلح با آنها در حدیبیه بوده است ؛ در ضمن اینگونه سیاست های کلان رسول خدا(ص) در رفتارهای شخصی تر و فردی با افراد دیگر نیز دنبال ارتباط مسالمت آمیز بوده اند همانند ازدواج ایشان با دختر ابوسفیان و چگونگی برخورد پیامبر(ص) با ابوسفیان در فتح مکه از این گونه نمونه ها می باشد به گفته محمد حسین هیکل، رسول خدا(ص) آماده بود در صورت داشتن آزادی برای دعوت به دین خدا، با قریش پیمان ببندد تا در نتیجه شرایط صلح بیشتر حاکم باشد تا جنگ و درگیری آنها^۱

نوشتار دوم: نقش اخلاق عملی پیامبر اکرم (ص) در گسترش دین اسلام

۱. نقش انعقاد پیمان صلح پیامبر (ص) در گسترش دین اسلام

از بارزترین نمونه های اخلاق عملی پیامبر که نتایج شگرفی در گسترش دین اسلام در شبه جزیره عربستان داشته است، و از سوی دیگر رفتار مسالمت آمیز رسول خدا(ص) با مشرکان را حکایت می نماید، صلحی است که در سال شش هجری ایشان با مشرکان منعقد ساختند؛ به دستور پیامبر(ص) مسلمانان از حمل هر نوع سلاح اضافی خودداری نموده و تنها با یک شمشیر وارد مکه شدند تا مشرکان بدانند که آنها تنها قصد انجام مناسک حج را دارند.^۲ رسول خدا (ص) به قریش فرمودند که تا کنون جنگ برای شما فایده ای در بر نداشته و ایشان حاضر است که عهدنامه صلح زمان داری با آنها ببندد که در طی مدت آن قریش دارای امنیت خواهند بود.^۳ وقتی رسول خدا(ص) می خواستند قرار داد صلح با مشرکان را ببندند برخی از اصحاب ایشان اعتراض نمودند که چرا در راه دین خدا تن به ذلت بدهیم و با مشرکان پیمان ببندیم ، پیامبر

۱. محمدحسین هیکل، زندگانی محمد (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۳۴۷

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۷۲-۵۷۳.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۳۰۹؛ محمدبن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۵، ص ۶۲.

(ص) در جواب فرمودند: من بنده خدا و فرستاده او هستم و با فرمان خداوند مخالف نمی نمایم خداوند نیز مرا و نخواهد نهاد.^۱

این قسمت از قضیه صلح علاوه بر اینکه روحیه صلح طلب و مسالمت آمیز پیامبر (ص) را نشان می‌دهد حاکی از پیروی پیامبر (ص) به صورت تام و کامل در مقابل آیات وحیانی قرآن در اطاعت از خداوند متعال می باشد که همین اخلاق عملی ایشان در پابندی به صلح و صلح طلبی موجب رشد و گسترش اسلام گردید.

۱-۱. متن صلحنامه و نتیجه آن

بر اساس صلح نامه که توسط حضرت علی (ع) به رشته تحریر در آمده بود مقرر شده که بین مسلمانان و مشرکان ده سال صلح برقرار باشد و در طی این مدت هر یک از یاران پیامبر (ص) که به مکه مسافرت نمایند چه برای حج یا تجارت، جان و مال وی محفوظ بماند و از سوی دیگر قریش نیز در مدینه در امان باشند و هر برده ای از قریش اگر بدون اذن ولیش پیش مسلمانان برود باید به قریش بازگردانده شود و اگر از یاران پیامبر (ص) کسی نزد قریش برود او را باز نخواهند گرداند. طبق این پیمان نامه هر قبیله و قومی می تواند با مسلمانان یا با قریش هم پیمان شوند، و مسلمانان آن سال باید به مدینه برگردند و از سال بعد خواهند توانست سه روز در مکه بمانند و سلاحی جز سلاح مسافر همراهشان نباشد.^۲

این پیمان صلح منجر به گسترش دین مبین اسلام گردید به این جهت که از سویی قریش قدرت مسلمانان را پذیرفت و از سوی دیگر در طی این مدت فرصتی فراهم شد تا جامعه اسلامی در مدینه قدرتمند شود و بعد از این پیمان نامه صلح با مشرکان بود که پیامبر (ص) دعوت به اسلام را به خارج از شبه جزیره عربستان گسترش داد و پادشاهان کشورهای همسایه را به اسلام دعوت نمودند.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۳۱۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰۱.
 ۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۱۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۹۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۲۷۵.
 ۳. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۷۹ و ۱۰۱ و ۱۰۵ و ۱۴۴ و ۱۱۸ و ۱۲۸ و ۱۳۴ و ۱۳۸ و ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ و ۱۶۶؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۵۷ و ۲۷۶ و ۲۸۱؛ برهان الدین حلبی، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۸۶؛ ابن کثیر دمشقی، البدایة والنهایة، ج ۵، ص ۵۳؛ پیش بین (اشکوری)، سید عبدالمجید، علل و اسباب نبردهای رسول اکرم (ص)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۲. نقش عفو و گذشت پیامبر (ص) از کفار و مشرکان در گسترش دین

اسلام

از دیگر نمونه های اخلاق عملی پیامبر(ص) با مشرکان و کفار که نقش مهمی در گسترش اسلام داشته است، این بود که بعد از فتح مکه ایشان دستور عفو همگانی را صادر فرمود و بنای اخلاق اجتماعی خویش را بر مدارا و گذشت نمایان ساخت این در حالی که بود که سرسخت ترین دشمنان ایشان در مکه بودند و با توجه به دشمنی هایی که نسبت به رسول خدا(ص) روا نموده بودند در انتظار انتقامی سخت در وحشت فرو رفته بودند در این هنگام بود که ایشان فرمودند: « ماذا تقولون؟ و ماذا تظنون؟...» آنها گفتند ما چیزی جز نیکی و خوبی درباره شما نمی اندیشیم... رسول خدا(ص) فرمودند من نیز جمله برادرم یوسف (ع) را به برادران ستمکارش که گفت را به شما می گویم:

«لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین؛ در این روز بر شما ملامتی نخواهد بود، و خداوند گناهان شما را عفو می نماید که او بخشنده و مهربان است.»
پیامبر مهر و رحمت با این جملات امیدوار کننده، پیام عفو عمومی خود را اعلان نمود و چنین ادامه داد:

شما مردم هموطنان بسیار نامناسبی بودید. رسالت مرا انکار کردید، مرا از خانه ام بیرون راندید و در دورترین نقطه که پناهنده شده بودم، با من به نبرد برخاستید؛ ولی من با این جرائم همه شما را می بخشایم و بند بندگی را از پای شما باز می کنم و اعلان می نمایم که: «اذهبوا فانتم الطلقاء...»^۲

در آن روز جز موارد اندکی، همه مورد عفو و بخشش پیامبر اعظم (ص) قرار گرفتند. حتی کسانی که جرم مرتکب شده بودند، همانند وحشی، قاتل حمزه سید الشهداء، نیز بخشوده شدند. شعار پیامبر (ص) این بود:

الاسلام یحب ما قبله^۳ کسی که اسلام را پذیرفت، از گذشته اش چشم پوشی می شود. این اخلاق عملی پیامبر (ص) در عفو مشرکان قریش که سالها ایشان و یارانشان را با هر وسیله ممکن آزار رسانده و دستشان به خون بسیاری از یاران پیامبر(ص) آلوده بود و از سویی این گذشت و عفو در جامعه عربستانی صورت گرفت که آن زمان انتقام از ارکان مهم قوم و قبیله و

۱. محمد باقر بحار الانور، ج ۲۱، ص ۱۰۷ و ۱۳۲؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۴۲۶؛ سیدعلی کمالی، خاتم النبیین، ص ۱۰۴.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۸۴۹.

نماد غیرت دیده می شد، منجر گردید در کمترین مدت بعد از فتح مکه، قبائل دیگر عربستان اسلام را قبول نمایند.^۱

۳. انعطاف و مصلحت

انعطاف و مصلحت از اصولی است که در سیره اخلاق اجتماعی پیامبر(ص) بسیار مورد توجه بوده است، انعطاف خود از شیوه هایی اخلاق اجتماعی پیامبر(ص) است که ایشان را در رسیدن به اهداف خویش در نشر و گسترش اسلامی بسیار یاری نموده است، لازم به ذکر است این انعطاف رسول خدا(ص) در مقابل با مشرکان و کافران مطابق دستور آیات قرآن بوده است که می فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ» (به معبود کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند». از آن به بعد پیامبر از دشنام خدایان جلوگیری کرد و به دعوت آنها به سوی خداوند واحد اکتفا نمود.

از روش های رسول اسلام (ص) در دعوت، این بوده است که همواره دعوتشان به سوی اسلام همراه با ملاحظت و ملایمت بوده است و از عوامل مهم گسترش سریع اسلام همین شیوه اخلاق اجتماعی پیامبر(ص) در انعطاف بوده است که باعث می گردید قلوب مردم به سوی ایشان جذب گردد، آیات وحیانی قرآن از این ویژگی اخلاقی پیامبر (ص) اینگونه یاد می نماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۗ» (به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب).

۴. پرهیز از نفرین دشمنان

رسول خدا(ص) به جهت منافع شخصی دنبال انتقام از کسی نبود و برای دشمنان خود همیشه طلب هدایت می نمود اما با کسانی که به دشمنی با خداوند می پرداختند به شدت مقابله می نمود، و در این راه نیز ابتدا آنها را از عذابهای خداوند بیم و انذار می داد، رسول گرامی اسلام



۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۳۶؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۴، ص ۴۱۷ و ۵۶۰.

۲. انعام/۱۰۸.

۳. آل عمران/ ۱۵۹.

برای جلب قلوب دشمنان خویش به تمایلات اجتماعی و دنیوی مخالفان توجه می نمود به همین جهت هدف اصلی ایشان از بین بردن کفار و مشرکان نبود بلکه ایشان هدف خویش را از بین بردن کفر و شرک از دل‌های مشرکان می دانست و به همین سبب بود که راضی نمی گردید بر علیه مخالفان خویش نفرین کند چنان که وقتی به ایشان گفته شد: یا رسول الله بر علیه مشرکان دعا (نفرین) کن! فرمود: «من لعان (لعن گو و نفرین پیشه) مبعوث نشده‌ام، بلکه مایه رحمت برانگیخته شده‌ام»^۱

۵. موضع گیری قاطعانه و نفی هرگونه سازش

گرچه رسول خدا(ص) مدارا را اصل اولی در اخلاق اجتماعی خویش قرار داده بود ولی این امر موجب نمی شد که ایشان در مقابل توطئه و دسیسه های دشمنان هم با مدارا برخورد نمایند، هنگامی که دشمنان تجاوز می نمودند و یا دسیسه های آنها روشن می گردید ، پیامبر(ص) با آنها به سختی مقابله نموده و هر گونه سازشی را در مقابل توطئه ها نفی می نمودند این موضع گیری قاطعانه و نفی سازش بر گرفته از نص وحیانی قرآن بوده است که می فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...»^۲؛ «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر (و) در میان خود مهرورزند...» در سوره انفال نیز خداوند متعال به پیامبرش دستور می دهد: «...فَشَرِّدْ بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ...»^۳؛ کسانی را که با تو در جنگ هستند، تار و مار کن.»

۶. در امان بودن و امان دهی حتی با کوچکترین احتمال هدایت

حضرت به گونه ای در جامعه زندگی و با مردم برخورد می نمودند که حتی مخالفان نیز احساس ضرر و گزند بر خود و زندگیشان نمی کردند. اخلاق اجتماعی ایشان مانند رهبران و زمامداران ظالم نبود که با ترس و احساس خطر همراه باشد و تا خود افراد امنیت و آرامش را برهم نمی زدند ایشان سلب امنیت نمی نمود. و وقتی به معارضه و مخاصمه روی می آوردند باز هم با آنکه در مقابل آنها می ایستاد اگر برای زندگی مسالمت آمیز آغوش باز می کردند،

۱. مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۲۵۹۹

۲. فتح / ۲۹.

۳. انفال / ۵۷.

پیشنهاد صلح آنان را می پذیرفت^۱ و اگر کوچکترین نشانه ای از برگشتن آنها مشاهده می کرد به آنها امان می داد: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ و اگر یکی از مشرکان از تو امان و پناه خواست، پس به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان. چرا که آنان گروهی ناآگاهند (و با شنیدن آیات الهی، شاید هدایت شوند).^۳ پس مهلت تحقیق می داد^۳ زیرا هدف از دعوت پیامبر، هدایت مردم از گمراهی شرک به سوی ایمان و سعادت می باشد و لازمه آن، این است که کمال اهتمام را در رسیدن به آن مبذول داشته و برای هدایت یک گمراه و احیای یک حق هر چند ناچیز از هر راهی که امید می رود استفاده شود. به همین جهت با آنکه از مشرکین غیرمعاهد بیزاری جسته و خون و مال و عرض آنان هدر است وقتی احتمال داده می شود براه راست بیایند همین امید و احتمال، در برابر مخالفت‌های آنان؛ تا آنجا که مبدل به یأس و ناامیدی از هدایتشان نشود امان داده می شوند، تا شاید پرده جهلشان کنار رود زیرا مشرکین مردمی جاهل بودند و بعید نیست که بعد از پی بردن به حق آن را بپذیرند. و این فرصت فکر و انتخاب به دشمن، نهایت درجه رأفت، کرامت شرافت و انسانیت است.^۴

نتیجه

در این تحقیق، اخلاق اجتماعی پیامبر با کفار و مشرکین مورد بحث قرار گرفت یافت های تحقیق حاکی از آن است که اخلاق نظری پیامبر در وهله اول مدارا با کفار و مشرکین بوده است پیامبر در راستای تحقق اهداف اصلی خود در امر هدایت جامعه، این شیوه را برگزید و اصل رحمت و محبت اساس دعوت ایشان بود و راز موفقیت او در تألیف قلبها، همان محبت و ملایمت او بود

سیاست کلی پیامبر در مقابله با ایشان در مکه، سیاست صلح و رفتار مسالمت آمیز بود، معمولاً پیامبر اصحابش را بر حفظ آرامش و سعه صدر در مقابل آنها تشویق می کرد. اما با ورود پیامبر به مدینه سیاست جنگ و دفاع از منافع مسلمانان در دستور کار قرار گرفت.

صلح حدیبیه یکی از مهم ترین عوامل موفقیت و گسترش اسلام بود؛ زیرا اولاً با این صلح بود که مکه و طائفه قدرتمند و ذی نفوذ قریش موجودیت سیاسی اسلام را پذیرفت. ثانیاً با فرصتی

۱. انفال / ۶۱: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا».

۲. توبه / ۶

۳. همان آیه (فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ)

۴. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۵۴

که در نتیجه صلح ده ساله پیش آمد و جنگ در این مدت متوقف گردید و مسلمانان از تعدی قریش و مکیان در امان ماندند، به وضعیت حکومت تازه تأسیس مدینه سر و سامان دادند و به تقویت و گسترش آن پرداختند.

یکی از مهربانانه ترین و بزرگ منشانه ترین برخوردهای پیامبر اعظم (ص)، اعلان عفو عمومی مکه و بخشش و مدارا با سران کفر و شرک و دشمنان دیرین خود، پس از فتح مکه بود. از شیوه‌های پیامبر اکرم (ص) در اخلاق اجتماعی‌شان به ویژه در استراتژی دعوت، دعوت توأم با انعطاف و ملایمت بود و یکی از دلایل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اکرم (ص) در قلوب دیگران، رفتار سیاسی منعطفانه آن حضرت بود. این برخورد را خداوند، برای پیامبر یک رحمت الهی می‌داند.

اصل مدارا و صلح و محبت پیامبر (ص)، هرگز باعث نمی‌گردید که آن حضرت در برابر دشمنان کینه‌توز و توطئه‌گر خود نیز با همین آیین-نامه و همواره و در هر شرایطی طبق همین اصل رفتار نماید؛ بلکه در صورت تجاوز دشمن، کشف توطئه آنها، پیمان شکنی و کارهایی از این قبیل از طرف مخالفان، پیامبر (ص) نیز به شدت با آنان برخورد می‌نمود.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید، (ترجمه) رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران ناشر: موسسه تحقیقات فرهنگی، دار الذکر، قم، چاپ اول ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابۀ فی معرفۀ الصحابه، بیروت: دار احیاء التراث العربی (بی تا).
۳. _____، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۲ق.
۴. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق (السیر و المغازی)، تهران دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۵. ابن حجاج، مسلم نیشابوری، صحیح، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل دمشقی، البدایه و النهایه، (بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۸. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول(ص)، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۷ش.
۹. اشکوری، سید عبدالمجید، علل و اسباب نبردهای رسول اکرم (ص)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. بحرانی، هاشم حسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، نشر دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۴ق.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۴ق.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۱۴. صالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۱۵. صلابی، علی محمد، السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۲۹ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۳ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، در راه برپایی حج ابراهیمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، آخوندی، ۱۳۶۰ ش
۲۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.

